



سفری به اعماق با «ادبیات بی‌قرار»

نگاهی کوتاه به کتاب
«نقشه‌هایی برای گم شدن»

چایتان سرد نشود

زندگی امروزی سرشار از
لحظه‌های ازدست‌رفته است.
کدامیک از شما توانسته است به
همان اندازه که درگیر مشغله‌های
تأمین معاش و ایجاد تنوع در
ابزار زندگی خود است ...



شهربانو

۴ صفحه ویژه بانوان مشهد
۵ آوریل ۲۰۲۱ | ۲۲ شعبان ۱۴۴۲
شماره ۳۳۵۲ روزنامه شهرآرا
۲شنبه



۲ قطار تندروی رنگ‌ها

پارسال، درست همین روزها بود که مردم از آن همه بدبوی‌های دم عیدی، یک ماسک و دستکش عایده‌شان شد و بعد یه اسپری می‌زدند به این طرف و آن طرف، و نوع شست‌ورفت دم عیدی شده بود برقی انداختن دستگیره‌ها، تلفن‌های همراه، دست‌ها و دوباره دست‌ها...

گفت‌گو با ناهید دلشاد راد، طراح، پژوهشگر و مدرس دوخت‌های سنتی و نواده سید ابوتراب غزنوی، طراح لباس در دوره قاجار

میراث‌دار هنر اصیل ایرانی



عکس: سناژ صفائی اشهرآرا

((فروغ))

تکنم جاوید

کتابهای ارزشمندی



قدمی برای سلامت روان بردارید

دختر بچه که بودیم، یاد گرفتن هر کاری و انجام دادن هر رفتاری را به زندگی مشترک آینده وصل می‌کردند، به روزی که قرار است برای خودمان خانمی باشیم و برای چند بچه مادری کنیم. معادله پیچیده‌ای است این عشق به زود بزرگ شدن برای دختری که مادری کردن را با می‌کند اما در بزرگ‌سالی، گاهی قلبش تحمل آن همه مسئولیت و نگرانی این و آن را ندارد. هرچه عدد شناسنامه‌هایمان بالا رفت، حسرت بچگی و روزهای گذشته نیز در دلمان قوی‌تر شد. بزرگ که شدیم و همسری و مادری را آغاز کردیم، کنار خوشی‌ها و لذت‌ها، رنج کشیدن و اندوه را هم با پوست و استخوان لمس کردیم، روزهایی که گاه آن قدر سخت گذشتند که هنگام تعریفش هم از آن همه صبر خود انگشت به‌دهان ماندم. بعضی سختی‌ها همچون روزهای بارداری، بی‌خوابی‌های بچه‌داری، غم کنکور و شکست‌های مالی موقتی هستند و تمام‌شدنی اما وای به غم‌هایی که انگار انتهای ندارند. می‌گویم «نگار» زیرا این رنج‌ها بر سر آدم‌های دیگری از این شهر، این سرزمین یا دنیا آوار شده‌اند اما زندگی‌شان تمام نشده است. این همان «پذیرش» روانی است که کمک می‌کند رنج را درک کنیم اما مسیر عادی زندگی را به بیراهه نکشانیم. نمونه‌اش یک سالی بود که تمام شد. اگر برای برخی کرونا تنها خانه‌نشینی، بی‌حوصلگی، بیکاری و نبود سرگرمی روزمره هرجه زودتر به فکر درمانش بیفتیم، سلامتی خود را از خطر نجات داده‌ایم.

زنان در شوراهای شهر و روستا



سال ۱۴۰۰ را با اتفاق‌های ریز و درشت سیاسی آغاز کردیم. اما به نظر می‌رسد شوراهای شهر و روستا باینی امسال برگزاری ۲ انتخابات ریاست جمهوری و شش‌پنجاه تاکنون بسیار بوده، اما پر واضح است به دلیل اهمیت انتخابات به‌ویژه درباره نقش و تأثیر زنان در اجتماعات محلی که با شناسایی نیازهای زنان در انتخابات شوراهای شهری می‌توانند اثرگذاری بیشتری داشته باشند. حضور انتخاب‌شونده، اهمیت بسیاری دارد و می‌تواند زمینه‌ساز برای تغییرات بزرگ‌تر فراهم آورد. توجه به شوراهای شهر و روستا و اجتماعات محلی، مسئله‌ای جدید نیست.

در گذشته‌های دور، شهرها و اجتماعات محلی بسترهای مناسبی برای تعامل‌ها و زندگی اجتماعی بودند اما با صنعتی‌شدن و گسترده‌تر شدن شهرها، نهادها و گروه‌هایی‌های کوچک از اهمیت افتاد و دولت‌ها، به‌عنوان دستگاه اصلی تصمیم‌گیری، مسئولیت اداره همه امور مربوط به شهرها و روستاها را برعهده گرفتند. با آشکار شدن ناکارآمدی راهکارهای تجویزی و کلان، دوباره بازگشتی به احیای نهادهای تصمیم‌گیری خرد صورت گرفت. این نهادهای محلی با وقف کامل به نیازها و مقتضیات ساکنان بومی در تصمیم‌گیری‌های شهری، می‌توانند تأثیر بسزایی بر کیفیت زندگی ساکنان محلی داشته باشند. شوراهای شهری و روستایی و حضور زنان در آن‌ها از چنین دریچه‌ای واجد اهمیت بسیاریند. حضور زنان در بدنه تصمیم‌گیری شورای شهر و روستا می‌تواند ۲ اثر اجتماعی-سیاسی عمده داشته باشد. نخست اینکه ظرفیت اجتماعات محلی می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای حمایت از زنان کارآفرین، شایسته، نخبه و اثرگذار به خدمت گرفته شود. این ظرفیت اجتماعی می‌تواند در تلاش جهت ارتقای سلامت عمومی، بهبود زندگی شهری و اجتماعی و تقویت اهداف تغییرات اجتماعی به کار گرفته شود. در نتیجه، منابع موجود در شهر و روستا جهت رفع نیازهای مربوط به اجتماعات محلی، به‌منظور حمایت و توانمندسازی زنان بسیج می‌شود. دیگر آنکه این حضور می‌تواند به توانمندسازی زنان و آگاهی بخشی آنان منجر شود. هنگام بهره‌گیری از ظرفیت‌های اجتماعی زیست‌بوم‌ها، نیازسنجی‌ها و نقاط قوت و ضعف شهر و روستا و سکته آن مورد توجه قرار می‌گیرد و از این دریچه می‌توانند در جهت توانمندسازی زنان، مؤثر به‌شمار روند. افزون بر ۲ مورد بالا، باید به افزایش پیوندهای اجتماعی و ارتباطات بی‌واسطه نیز اشاره کرد. از آنجا که منتخبان شوراهای افرادی از میان همین اجتماعات محلی هستند، ارتباطات آن‌ها با فعالان

((پرو))

حمیده وحیدی

روزنامه‌نگار



یک قدم برای درک لحظه‌های زندگی

بین همه تیریک‌های روز اول عید که یکباره سرازیر گوشی تلفن همراه شده بود برخی‌هایش آن قدر شبیه هم بود که حتی آدم حوصله یک بار نگاه کردن نداشت. یکی ذهن را چنان به خودش مشغول کرد که نقل محفل چندروزه‌مان شد: «وورود به قرنی که همگی در آن خواهیم مرد مبارک باشد!» فرستنده یک استیکر گل سه‌شاخه سفید رز بدون احساس هم تنگش تزیین کرده بود. اولش خنده‌ام گرفت از این شوخی بی‌موقع. چند مرتبه‌ای خواستم بنویسم مرکز تقویم مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران قبل از عید مدام اعلام کرده هنوز یک سال دیگر تا آخر قرن مانده است اما هرچه سر و تپش را حساب می‌کردم هیچ فرقی نمی‌کرد و یک سال این طرف و آن طرف‌تر تأثیر چندانی بر زندگی کسی نداشت. شاید به همین دلیل هم بود که روزهای آخر سال، فضای مجازی پر شده بود از کلیپ‌هایی برای آخر قرن و خیلی‌ها دلشان می‌خواست اعداد و ارقام را نادیده بگیرند و یک تیریک سرراست برای ۱۴۰۰ بسازند اما همین تقارن بدون پشتوانه دلیل مهمی بود که توی دوره‌می اول عید خانواده کوچکمان شروع کردیم به تیشه زدن به قبور اموات دور و برمان و مدام سال‌ها را به عقب بردیم و به آغاز سال ۱۳۰۰ رسیدیم. دست آخر یادهای زیادی را هم گرامی داشتیم! از پدر پدر بزرگ ندیده‌مان گرفته تا خاله پیری که قدرت راه رفتن نداشت. آن زمان وقتی از سگته مغزی حرف می‌زدند، در دنیای کودکی، تنها او را به یاد می‌آوردیم. بعد هم به



دکتر مهتاب علی نژاد
جامعه‌شناس

چایتان سرد نشود

زندگی امروزی سرشار از لحظه‌های از دست‌رفته است. کدام یک از شما توانسته است به همان اندازه که درگیر مشغله‌های تأمین معاش و ایجاد تنوع در ابزار زندگی خود است درگیر فراغت و تفریح و لذت بردن از لحظه‌لحظه زندگی باشد؟ چه بسا ساعت‌ها و لحظه‌های کار و گرفتاری‌ها بر ساعت‌ها و لحظه‌های شب‌نشینی‌ها و استراحت کردن‌ها می‌چربد. چنانچه یک زن خانه‌دار باشید آیا زمانی برای فراغت شما تعریف شده است؟ یا توجه به اینکه مطابق تجربه روزانه خود می‌دانید یک زن خانه‌دار ساعت مشخص کار و فراغت از کار ندارد و اگر زن شاغل باشید که دوشغلی بودن شما حتمی است: شغلی اجتماعی برای امرار معاش و تأمین نیمی از هزینه‌های خانواده و شغلی خانگی که همان امر خانه‌داری و همسرداری است. هرچند فرهنگ و جامعه خانه‌داری و همسرداری را شغل در نظر نمی‌گیرد، صرف زمان برای انجام انتظارات اجتماعی و وظایف نقش همسری و مادری کتمان‌ناپذیر است.

➤ زنان مدیران فرهنگی خانواده هستند

واقعیت اجتماعی این است که در هیاهوی رفاه و تمدن و افزایش روزافزون ابزارهای آسایش‌افزا در انجام کارهای منزل و شغل خانه‌داری، عنصر زمان اگرچه به‌طور نسبی اما با سرعت از دست می‌رود. اما آیا این همه دغدغه برای در رفاه ماندن نیازی ضرور برای بقا و افزایش کیفیت زندگی است؟ اینکه به عنوان یک خانم و مدیر داخلی خانه پیشرفت زندگی و کیفیت زندگی را برای خودتان و تمام اعضای خانواده چگونه تعریف می‌کنید همان عنصر مهمی است که به سبک زندگی شما و میزان دغدغه‌مندی و شکل دغدغه‌هایتان فرم و جهت می‌دهد. چه در نگاه سنتی و چه در نگاه مدرن، زن کانون خانواده و شکل‌دهنده و پرورنده



الهام یوسفی
فعال فرهنگی

شهرزاد

سفری به اعماق با «ادبیات بی‌قرار»

نگاهی کوتاه به کتاب «نقشه‌هایی برای گم شدن»

جستارنویسی چیست؟ شاید ساده‌ترین و جالب‌ترین معنایی که برای آن در نظر گرفته‌اند، همین تعریف موجز باشد: «ادبیات بی‌قرار»، درست مانند زمانه ما که بی‌قراری بخش مهمی از آن است. ما هم در افکار و هم در زندگی روزمره‌مان، نوعی بی‌قراری دائم را تجربه می‌کنیم. از این کار به آن کار می‌پریم، از این شاخه به آن شاخه سرگردانیم و افکارمان نیز مدام از این موضوع به آن موضوع جهش دارد. انگار خودمان نوعی جستاریم که باید نوشته شود تا سامان بگیرد. به عبارت دیگر، جستارنویسی فرمی گریز یا برای گفتن رخدادهایی است که در زندگی نویسنده رخ داده، رویدادهایی که تمام شده‌اند اما رد پای آن‌ها در حافظه و احساس او باقی مانده است. از کودکی بگیرد تا اکنون، جستارها کنار هم جورچینی را می‌سازند که شاید تصویری نسبتاً مبهم از زندگی نویسنده بدهد اما در روح و روان خواننده اثری عمیق به جای می‌گذارد. انگار که آن جستارها را خودش نوشته باشد. نوعی خویشاوندی پنهان بین مقولات غریبه! کتابی که این هفته معرفی

مهارت‌هایی نظیر ارتباط مؤثر، کنترل خشم و غیره است، ذهن خود را در زمینه نگاه تازه و کارآمد به زندگی و لحظات آن نیز پرورش دهند؟

➤ تبلیغات مضّر و تأثیر معکوس بر دانش و آگاهی زنان

متأسفانه پاسخ این سؤال با نگاهی به سبک زندگی اکثریت زنان، خیر است. زن امروز اگر چه از امکان مؤثر تحصیل تا مقاطع عالی برخوردار است یا به رسانه‌های مختلف که می‌توانند منبع افزایش آگاهی باشند دسترسی دارد، متأسفانه استفاده کارآمدی از دانشی که به دست می‌آورد نمی‌کند. چنان درگیر و دار تبلیغات گسترده عرضه و تقاضای بازارهای ملی و محلی و جهانی خود را محصور می‌یابد که مجالی برای رهایی ایجاد نمی‌کند، رهایی از آن تصویری که از سوی بازارهای تولیدی به عنوان زندگی برتر برای ذهن او ایجاد می‌شود. در واقع زن امروز خوراک ذهنی‌اش را با رسانه‌های گوناگون تأمین می‌کند و در بیشتر موارد، از سوی بازارهایی که به دنبال تقاضا برای عرضه محصولاتشان هستند جهت‌دهی می‌شود. اندیشیدن سطحی و گاهی هیچ‌نپندیشیدن و گاهی نیز سپردن مسیر اندیشه به دست رسانه‌ها و آنچه بازار می‌گوید زن امروز و انسان امروز را از مرحله خودسنجی و خودارزیابی عاقلانه و دانش‌محور برای جهت دادن به زندگی دور می‌کند. اگرچه این شرایط مختص زنان نیست، از آنجا که زنان هم‌چنان و تا همیشه نقش پررنگی در شکل‌بخشی به شخصیت نسل‌ها به‌ویژه در شش سال اول زندگی که بسیار تعیین‌کننده است دارند از زنان انتظار بیشتری می‌رود که اگر قرار است به جامعه بزرگ تقاضاکنندگان برای افزایش عرضه محصولات تجاری و مصرفی بپیوندند با آگاهی درست و واقع‌گرایانه‌تری گام بردارند. تاکنون اندیشیده‌اید که بازارهای مصرفی چه‌طور شما را به تقاضاکنندگانی دائمی تبدیل می‌کنند؟ چگونه خود را محصور در خواست‌ها و نیازهای بی‌پایان

می‌بینید که هر روز باید وسیله تازه‌تری تهیه کنید؟ ساده‌ترین مثال لوازم منزلی است که شاید سالی یک بار هم در خانه شما کاربرد نداشته باشند اما به هر سختی و دشواری، آن‌ها را تهیه می‌کنید تا از قافله مصرف‌گرایی و خوداظهاری روانی جا نمانید. شما به‌طور فرهنگی به چشم‌وهم‌چشمی کردن و سبقت در ایجاد تنوع از طریق پیوسته خرید کردن و انباشتن آشپزخانه از ظروف کاربردی و غیر کاربردی عادت می‌کنید. مثال وسایل آشپزخانه ساده‌ترین و ملموس‌ترین مثالی است که دست کم یک بار در زندگی آن را تجربه کرده‌اید. یک دستگاه قهوه‌ساز فرانسوی که سالی یک بار هم استفاده نمی‌شود چه‌گونه از آشپزخانه شما سر‌درمی‌آورد؟ چه‌قدر توانایی مهمان‌داری در آپارتمان هفتادمتری را دارید یا امکان اقتصادی مهمانی دادن که ۴ دست هجده‌پارچه چینی، کریستال، آرکوپال و غیره را خریداری می‌کنید؟

➤ از دست رفتن لحظه‌ها برای خلق آرامش

زن امروز در هیاهوی ایجاد تنوع‌هایی که چندان الزامی نیست و بیش از آنکه حالش را خوب کند او را با دغدغه تأمین هزینه‌های مصرف‌گرایی روبه‌رو می‌سازد، چایش سرد می‌شود. این یک اصطلاح برای مشغله زیاد داشتن و از دست رفتن لحظه‌های کوچک و ساده برای خلق آرامش در زندگی است. زن امروز به آن اندازه درگیر تأمین لوازم متنوع و پاسخ‌گویی به بازار سرمایه‌داری و مصرف است که فرصت نمی‌کند از آن ابزار استفاده کند. بهترین فتنان‌ها را خریداری می‌کند اما زمانی که درگیر تأمین قسط‌های همان فتنان‌هاست، فرصت نمی‌کند چایش را بنوشد. به این مهم بیندیشید که کیفیت زندگی را به چه قیمتی افزایش خواهید داد و سپس بیندیشید در داستان ناتمام مصرف‌گرا بودن، شما چه نقشی را برعهده گرفته‌اید و این نقش چه پیامدهایی برای شما داشته است.

«دو سر پیکان» و «خانه یک‌طبقه» برخی عناوین این جستارهاست که با هر کدام از آن‌ها با بخشی از خودتان روبه‌رو می‌شوید. خواندن این کتاب را به آن‌هایی که عاشق سفرند اما این روزها نمی‌توانند به سرزمین‌های ناشناخته و شهرهای دور و کوچه‌های غریب سفر کنند پیشنهاد می‌کنیم. این کتاب سفری است همراه نویسنده به آبی بیکران.



نقشه‌هایی برای گم شدن

• نویسنده: ریکا سولنیت



ایراندخت

یادی از حکومت زنان در نوروز



➤ بخش عمده‌ای از تاریخ، فرهنگ و باورهای عامیانه از طریق شفاهیات و سینه‌به‌سینه منتقل شده‌اند. در واقع، بررسی این روایت‌ها موجب می‌شود کارکردهای فرهنگی هریک از اقوام و گروه‌ها مورد بررسی قرار گیرند. در قدیم، زنان در ایام نوروز به تفریحات و سرگرمی‌هایی می‌پرداختند که بخشی از آن بین مردم خراسان رواج داشته که به مرور زمان از بین رفته یا رو به فراموشی است هرچند در سال‌های گذشته برخی پژوهشگران با جمع‌آوری فرهنگ و فولکلور شفاهی تلاش کرده‌اند به ثبت آن بی‌تفاوت نباشند و در واقع میراث شفاهی گذشتگان را تدوین کرده‌اند. از جمله می‌توان به سید علی میرنیا اشاره کرد که تحقیقات مفصلی درباره ایلات و عشایر خراسان و فرهنگ این خطه داشته و به مراسم زنان بیمرغ خراسان، حکومت زنان در بیمرغ گناباد را شرح داده و دکتر باستانی پاریزی در کتاب «خاتون هفت قلعه» به این رسم دیرین و نقش زنان پرداخته است. به نظر می‌رسد محلی‌نگاران تاریخ خراسان به حضور زنان در مراسم‌های فرهنگی بی‌تفاوت نبوده‌اند و همواره بخشی از پژوهش‌های ایشان به این موضوع اختصاص دارد. در ایام نوروز در مناطقی از نیشابور دختران و زنان جوان در محل محصور می‌شدند و به دست‌افشانی و پیش‌تر انتخاب شده است همه بعدازظهرهای ۱۳ روز نوروز جمع می‌شوند و به دست‌افشانی و انواع ورزش‌های سبک می‌پردازند. بنابه نوشته نویسنده «نیشابور شهر فیروزه»، آنان بهترین لباس خود را می‌پوشند. در گذشته، آیین‌های مخصوص زنان در مناطق مختلف خراسان برگزار می‌شد که مردان حق حضور در آن را نداشتند و چنانچه کسی مرتکب خطا می‌شد، زنان وی را تنبیه می‌کردند. حکومت زنان در نوروز از دیگر آیین‌هایی است که در بیمرغ گناباد انجام می‌شد. بنا به نوشته‌ای، در روز نهم تا سیزدهم فروردین، حکومت و اختیارات به دست زنان می‌افتاد، هیچ مردی حق نداشت از خانه خارج شود و اگر خارج می‌شد، زنان او را تنبیه می‌کردند. زن‌ها وسایل و مایحتاج را تهیه و زندگی را اداره می‌کردند و بیشتر روز را در خارج از خانه می‌گذراندند. بنابراین در بیمرغ جایی به نام نوروزگاه وجود داشته است که زنان و دختران در روزهای نخست سال به آنجا می‌رفتند و به دست‌افشانی و شادمانی می‌پرداختند. از رسم‌های جالب این بوده است که هیچ مردی در این روزها حق نزدیک شدن به نوروزگاه را نداشته است. گاهی بعضی غریبه‌ها هوس تماشای نوروزگاه به سرشان می‌زد. دختران گرد او حلقه می‌زدند و او را وادار به دست‌افشانی می‌کردند یا وادار به خواندن، در صورتی که خلاف خواسته‌های آن‌ها انجام می‌داد تنکش می‌زدند تا دوباره هوس نوروزگاه به سرش نزنند. بنابراین در ایام نوروز زنان روستا حاکم آبادی می‌شوند و هیچ مردی حق ندارد از خانه خارج شود و اگر خارج شود، زنان او را تنبیه می‌کنند.

تاکتون

اندیشیده‌اید که بازارهای مصرفی چه‌طور شمارا به تقاضاکنندگانی دائمی تبدیل می‌کنند؟ چگونه خود را محصور در خواست‌ها و نیازهای بی‌پایان می‌بینید که هر روز باید وسیله تازه‌تری تهیه کنید؟

➤

(۴)



شهربانو

شروط و نحوه بازنشستگی بانوان

بر اساس قوانین سازمان تأمین اجتماعی سن بازنشستگی زنان ۵۵ سال است مشروط بر اینکه متقاضی بازنشستگی دست‌کم ۲۰ سال سابقه پرداخت حق بیمه داشته باشد. اگر مستمری وی از حداقل حقوق مصوب کمتر شود همان حداقل حقوق به او پرداخت خواهد شد. همچنین اگر زنی ۱۰ سال سابقه و ۵۵ سال سن داشته باشد می‌تواند بازنشسته شود. این در حالی است که اگر متقاضی کمتر از ۱۰ سال سابقه داشته باشد با پرداخت یکجای حق بیمه سنوات کسری (تا ۱۰ سال) می‌تواند بازنشسته شود.

ضمیمه روزنامه شهرآرا
صاحب‌امتیاز:
شهرداری مشهد
مدیرمسئول و سردبیر:
سید هادی فیاضی
مسئول ضمیمه
حمیده وحیدی

